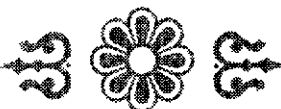


مباحثه با آیت الله سید محمد باقر حکیم



دانش قرآن پژوهی در نیم قرن اخیر رشد و بالندگی ویژه ای در میان دانشمندان شیعی پیدا کرده است. در حقیقت از آن هنگام که عالم بزرگ و محقق شیعی ابو عبدالله زنجانی با عنوان ابتکاری، تاریخ قرآن را نوشت و مورد تقدیر دانشمندان جهان اسلام، به ویژه عالمان قاهره و دمشق و بغداد قرار گرفت، این حرکت نقطه عطفی برای رونق بیشتر این دانش گردید و رفته رفته عالمان بسیاری به علوم قرآن به عنوان یک رشته تخصصی روی آوردند و پژوهشهای عمیق و عالمانه ای عرضه کردند، گرچه پیش از آن هم دانشمندان شیعی در زمینه بسیاری از رشته های علوم قرآن مانند آیات الاحکام، ناسخ و منسوخ، متشابهات و برخی موضوعات دیگر تألیفاتی نگاشته بودند اما ارائه کتابهای جامع محققانه و در عین حال گسترده، در زمینه علوم قرآن مربوط به دوران اخیر است.

آیت الله سید محمد باقر حکیم یکی از فرزاندانی است که از سالهای بسیار دور به کار تألیف و تدریس علوم قرآن دست یازیده و همواره بر تعمیق این پژوهشها تأکید داشته است. ایشان که در خانواده علم و مرجعیت تولد یافته و در دامن شهید صدر، دانشمند بزرگ و محقق نابغه تربیت یافته و با کمک و راهنمایی و همراهی ایشان به این رشته گرایش پیدا کرده است، این رشته را در دانشگاه بغداد از منظر عالمان شیعه معزز داشته است.

گفت و گوی این شماره بیانات در حقیقت با تبیین و توضیحی در زمینه برخی مسایل علوم قرآنی و تفسیر و منهج اهل بیت در تفسیر و اطلاع از زندگی و سیر علمی و تحقیقات و تألیفات ایشان پایه ریزی شده و در راستای هدف بالندگی و تعمیق و گسترش بحثهای مورد نیاز در زمینه قرآن انجام گرفته است، امید است برای خوانندگان و علاقمندان به علوم قرآن مفید واقع شود.

بیانات آرزومند است که این اندیشور بزرگوار بتواند در کنار کارهای خطیر و حساس سیاسی، پژوهشهای قرآنی را ادامه داده تا این رشته از معارف اسلامی توسط اهل فن غنی و پربارتر گردد.

بینات: لطفاً مختصری از زندگی خود و چگونگی روآوری به علوم قرآن و تفسیر را بیان بفرمایید.

استاد: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين. این جانب در بیست و پنجم جمادی الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری در نجف اشرف در خانواده‌ای که به علم و دانش معروف بود، یعنی بیت آل حکیم، چشم به جهان گشودم، پدرم مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم است که از سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۹۰ پس از وفات مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، به عنوان مرجع جهان تشیع به شمار می‌آمد.

دروس مقدماتی را نزد علمای همین خاندان و در رأس آنان آیت الله العظمی سید محمد سعید حکیم، آموختم و پایه‌ی سطح را نزد برادرم آیت الله سید یوسف حکیم و آیت الله العظمی شهید صدر و آیت الله سید محمدحسین حکیم، فرا گرفتم. تا زمان شهادت مرحوم آیت الله صدر ملازم وی بوده و بیش از همه از محضر ایشان استفاده کردم، اصول و فقه و بخشی از ابواب فلسفه و معارف اسلامی را نزد وی آموخته و از محضر آن بزرگوار، علوم زیادی را فرا گرفتم. از دروس آیت الله العظمی خویی (قدس سره) نیز استفاده کرده‌ام.

در نوجوانی به کار تدریس، در سطح مقدمات و سطوح پرداختم، همچنین به سخنرانیهای عمومی نیز همت گماشتم و مدت ده سال، علوم قرآن را در دانشکده‌ی اصول دین بغداد، تدریس کردم. این بحث‌ها با آنچه که مرحوم شهید صدر در کتاب (علوم القرآن) تدارک دیده بود، منتشر شد. پس از هجرت به قم نیز به تدریس تفسیر و نگارش برخی از مباحث علوم قرآن پرداخته و در بحث خارج فقه، بخشی از فصول قضاء را در تهران، تدریس داشته‌ام. از سن پانزده سالگی تاکنون به کارهای اجتماعی و سیاسی پرداخته‌ام. در این امور وقت زیادی از من صرف می‌شود و طبعاً در این راستا از تلاشها و فعالیت‌های علمی و فرهنگی من کاسته می‌شود، هرچند این قبیل کارها بعضاً در فهم و شناخت اسلام و نشر آن، و هدایت و ارشاد مردم، برایم سودمند بوده است.

این جانب، در فراگیری علوم قرآن و تفسیر، بر فعالیت شخصی خود از خلال مطالعه و دقت و بررسی و تدریس متکی بوده‌ام، البته در این خصوص تشویق پدرم (قدس سره) و استاد بزرگوارم شهید صدر، تأثیر بسزایی داشته، به ویژه این که این موضوع از دروس معروف در حوزه‌ی نجف اشرف بشمار نمی‌آمد.

پدرم (قدس سره) علی رغم مسئولیتهای بزرگ و نیازها و خواسته های موجود، مرا به تدریس علوم قرآن تشویق و ترغیب می کرد و آن را خدمتی بزرگ برای قرآن می دانست و خود نیز توجه فوق العاده ای به موضوع قرآن کریم داشت و من از کودکی آن را احساس می کردم، آنگاه که ایشان به چاپ تفسیر «الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز» اثر علی محمد علی دخیل اهتمام ورزید و به قرائت قرآن و استمرار تلاوت آن، بویژه در ماه رمضان عنایت داشت.

شهید صدر، بخشی از بحثهای قرآنی را به رشته تحریر درآورد و به آن تشویق و ترغیب کرد و زمینه را برای اقدام به تدریس آن، مهیا ساخت و این موضوع را در کنار نگارش بقیه موضوعات دنبال می کرد و بر آن تشویق می نمود.

بیانات: شما نقش توجه به علوم قرآنی را در فهم و تفسیر قرآن چگونه ارزیابی می کنید؟

استاد: تردیدی نیست که شناخت علوم قرآن، در فهم و تفسیر آن، تأثیر بسیار دارد، زیرا این علوم، تصوراتی کلی از قرآن و چگونگی مواجه شدن با آن و فهم و ارزش و اهمیت آن و نقش آن در شناخت اسلام و حیات عمومی جامعه را ارائه می دهد.

من در خلال تجربه شخصی ام، ابتداء علوم قرآنی را شروع کرده و سپس به تفسیر قرآن پرداختم و توانستم از خلال آن، شیوه تفسیری را که سودمند و مؤثر می دیدم، ترسیم نمایم و به روشنی میان نقش تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی را تمیز دهم و نقش مهمی که اهل بیت علیهم السلام در تفسیر و شناخت قرآن داشته اند و نیز شیوه آنان را در تفسیر درک نمایم. این جانب معتقدم که بدون شناخت صحیح آن دسته از علوم قرآنی که ارتباط به مضمون و روش قرآن دارند، نمی توان تفسیر کاملی از قرآن ارائه داد.

بیانات: با توجه به اینکه جناب عالی از مدتها قبل در زمینه رابطه اهل بیت علیهم السلام و قرآن کار می کنید، نقش اهل بیت علیهم السلام را در توجه به قرآن چگونه می بینید؟

استاد: نکات مهم و برجسته نقش اهل بیت علیهم السلام را در قبال قرآن کریم، می توان در موارد زیر خلاصه کرد.

۱. حفظ و صیانت قرآن کریم از تباهی و تحریف.
۲. ارائه تفسیری اصیل و کامل از قرآن کریم برای مسلمانان، به ویژه پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و در دوره های بعدی، چه این که تنها امام علی علیه السلام بود که از میان مسلمانان به شناخت قرآن و فهم و درک آن واقف بود.

۳. قرآن را در مرتبه نخست قداست قرار دادن، به این معنا که تنها قرآن نخستین مرجع رسالت اسلام است و از خلال قرآن می توان حق را از باطل تمیز داد، زیرا تمام اشیاء، دارای اصلی در قرآن کریم اند و تمام عهد و پیمانها و التزامات، ناگزیر باید موافق با قرآن باشند و نیز برای تشخیص روایات سره از ناسره و ترجیح یکی از دو روایت متعارض، بر دیگری باید به قرآن مراجعه کرد.

۴. تأکید بر این که، فهم و دانستن قرآن کریم از راه ظن و گمان و احتمالات، میسر نیست، بلکه باید از راه یقین و علم و شیوه های صحیح، صورت گیرد، در مقابل مسلک تفسیر به رأی و تکیه بر تمایلات و نظرات و هوس ها و یا قیاس و استحسان و چیزهایی از این قبیل.

۵. تأکید و پافشاری بر توجه و اهتمام به قرائت قرآن و حفظ و ژرف نگری آن و کمالاتی که انسان از خلال مطالعه قرآن به دست می آورد.

بینات: رابطه اهل بیت علیهم السلام و تفسیر قرآن را چگونه می دانید؟

استاد: این موضوع را در بحث تفسیر، از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در مجله اندیشه اسلامی (الفکر الاسلامی) شماره ۸ و ۹ عنوان کرده ام و در این جا می توان به طور خلاصه به نتایج آن بحث اشاره کرد و آن این که، تفسیر از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام دو گونه است، ظاهر و باطن، محکم و متشابه و تفسیر و تأویل.

بخش نخست را عموم مردم، پس از آن که احاطه کامل به قرآن و معانی و آیات آن پیدا کردند می توانند بدان دست یابند و این کاری است که علمای تفسیر آن را انجام داده اند. ولی دانستن بخش دوم، از اختصاصات نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی اوست، هر چند اهل بیت راه علم و دانش را در این زمینه گشوده اند، ولی نمی توان کلیه موضوعات را از ناحیه غیر اهل بیت علیهم السلام شناخت. این بخش را می توان در موضوعات زیر ملاحظه کرد:

۱. اطلاعات قرآنی که در آینده رخ داده ها، جایگاهی چون علوم غیبی دارند.
۲. آگاهیهای تفصیلی که با موضوعات شرعی موجود در قرآن ارتباط دارند و دارای مصداقهایی نو و جدید هستند، بنابراین قاعده که، هر چیز در قرآن دارای یک اصل و ریشه است.
۳. تطبیق دقیق معانی و سنن و رخ داده ها و تشخیص کامل مصداقها و موضوعاتی که بدانها منتهی می شوند.

۴. مَثَل و مانند قرار دادن برای مضامین قرآنی و مثالها و واژه‌هایی که در قرآن وارد شده و تعیین همانند آنها و آنچه که مشابه آنهاست.

بیّنات: حضرت عالی در میان کتابهای تفسیری از متقدّمان و متاخران چه کتابی را انتخاب می‌کنید.

استاد: در محدوده اطلاعات اندک من، مهم‌ترین کتب قدماء که در زمینه تفسیر، به ما رسیده است کتاب تفسیر طبری است؛ و کتابی که شیخ طوسی آن را تلخیص و اصلاح نموده و به گونه‌ای پیشرفته ارائه داده و آنچه که از احادیث اهل بیت استفاده می‌شده بر آن افزوده است و به نام تفسیر «تبیان» عرضه کرده است؛ و کتاب مجمع البیان، از جنبه فصل‌بندی، نظم، ترتیب و اصلاح که در واقع بازسازی شده آن دو به شمار می‌آید.

از کارهای متأخرین، می‌توان از کار شیخ محمد عبده نام برد که بخش بسیار مهمی از آن در کاری که شاگردش آقای رشید رضا در تفسیر المنار انجام داده تجسم یافته است و همچنین بخشی از تفسیر شاگردش شیخ مراغی و پس از آن یگانه کار تفسیری و مهم را مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان انجام داده‌اند.

بیّنات: جناب عالی در میان کتاب‌های علوم قرآنی از متقدّمان و متاخران چه کتابی را ترجیح می‌دهید؟

استاد: در ابتداء کتاب‌های علوم قرآن جدای از علم تفسیر نبوده است، زیرا بحث‌های علوم قرآنی از دل علم تفسیر بیرون آمده و سپس به صورت بحث‌های مستقل علمی رشد یافته است، چراکه علم تفسیر از مهم‌ترین مباحث علوم قرآن بوده است.

درعین حال، از کتب مهم علوم قرآنی که قابل اعتماد و به عنوان مرجع هستند، می‌توان کتابهای ذیل را نام برد. از متقدمین: البرهان فی علوم القرآن، زرکشی و الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی؛ و از متأخرین: مقدمه تفسیر «البیان فی تفسیر القرآن، آیت‌الله العظمی خویی (قدس سره) و علاوه بر آن، از جهات ادبی و فنی الدراسات الخاصة سید قطب و ردّ شبهات از قرآن کریم، شیخ بلاغی (ره).

بیّنات: سیر مراحل نگارش کتاب علوم قرآن جناب عالی چگونه است و الآن در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

استاد: کتاب علوم قرآن در تألیف و تحقیق سه مرحله را گذرانده است:

مرحله نخست. مرحله ایراد سخنرانیهاست، چه این که شهید صدر بخش اول آن را که قریب یک سوم کتاب را تشکیل می‌دهد، تألیف نمود و من به نگارش باقیمانده آن

پرداختم، به این نحو که، نخست می‌اندیشیدم و سپس آنها را به صورت سخنرانی ایراد می‌کردم و قبل یا بعد از سخنرانی (به تناسب فرصت موجود) آنها را یادداشت می‌کردم و از صبح پنجشنبه که فاصله بین وقت سخنرانی بود استفاده می‌کردم و در بغداد به نگارش و آماده‌سازی، سپری می‌کردم. بدینسان کتاب مهیا شد. تا در سطح دانشجویان سال چهارم دانشکده اصول دین به شیوه تحصیلی آن جا، مورد استفاده قرار گیرد.

مرحله دوم. وارد کردن برخی اصلاحات جزئی و تغییر بعضی موضوعات، هنگام تجدیدنظر در ایراد سخنرانیها. این نوشتارها همچنان در عراق باقی مانده است.

مرحله سوم. افزودن برخی از موضوعات دیگر، مانند هدف نزول قرآن، تفسیر از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام و شیوه قرآنی آنان و همچنین دسته بندی و تقسیم موضوعات به شکلی نوین که با سطح تحصیل حوزوی مناسب باشد. اکنون کتاب به گونه ای جالب و ساختاری جدید، زیر چاپ است.

بیانات: جناب عالی مدتهاست که در زمینه سنن قرآن و فلسفه تاریخ پژوهش می‌کنید، این بحث‌ها به کجا رسیده است و نظریه نهایی شما در این زمینه چیست؟
استاد: این جانب، موضوع (جامعه انسانی در قرآن کریم) و دوره‌های چهارگانه‌ای که بر آن گذشته یعنی تمدن، وحدت تفکر و اندیشه، اختلاف و ادیان الهی را مورد بحث قرار داده‌ام و ویژگیهای هر دوره و اسباب و عللی که در ورای تحول و دگرگونی، به دوره دیگر بوده، بررسی کرده‌ام. این مباحث را در سیمای جمهوری اسلامی ایران بخش عربی، طی سخنرانیهایی عنوان کرده‌ام و هم‌اکنون این بحث را به پایان رسانده‌ام.

در این موضوع از مباحث استاد شهیدمان آیت الله صدر (رضوان الله علیه) استفاده فراوان برده‌ام. از خداوند می‌خواهم که مرا به کامل کردن این بحث، از خلال بحث سنتهای الهی که در جریان تاریخ حکمفرماست موفق بدارد. ان شاء الله به زودی مبحث سنت امتحان و آزمایش را آغاز می‌کنم و در همین راستا، سنت استبدال و سنت صبر و دیگر سنن را مورد بحث قرار خواهم داد، چه این که مسلمانان در تاریخ معاصر خویش، شدیداً نیازمند فهمیدن این سنت‌ها و نقش آنها در زندگی سیاسی و اجتماعی خود هستند. این موضوع، کامل کننده بحث جامعه انسانی در قرآن کریم است.

بیانات: در باب روایات تفسیری از اهل بیت علیهم‌السلام، جناب عالی چه تقسیم بندی دارید و با توجه به اینکه برخی از این روایات جنبه جری و تطبیق دارد، توصیه جناب عالی نسبت به مجموعه این روایات و جایگاه آن چیست؟

استناد: روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام در زمینه تفسیر رسیده است، چند قسم است. نخست: روایات ساختگی که (افراطیون) به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده‌اند. باید این دسته از روایات را براساس ضوابط و قوانین علمی موجود در علم رجال و علم حدیث و اصول، مشخص نموده و از دیگر روایات جدا ساخت.

دوم: روایات فقهی، مقصودم از این‌ها روایاتی است که از خلال ظهور قرآن که متشکل از لفظ و قرینه‌های حالیه و مقالیه است، فهم و درک قرآن را دربر دارند، با عنایت به این که قرآن به منزله یک سخن و نص است که به طور پراکنده نازل شده است.

در همین راستا، باید توجه داشته باشیم که اهل بیت علیهم السلام سعی کرده‌اند تا شیوه استنباط از قرآن کریم و چگونگی الهام‌گیری از آن را در تمام زمینه‌های اعتقادی، فقهی و اجتماعی، به پیروان خود بیاموزند، بنابراین، باید برای استنباط اصول این شیوه که اهل بیت علیهم السلام بر آن متکی بوده‌اند، به طور جدی کار کرد.

سوم: روایاتی است که اهل بیت علیهم السلام شیوه مکتب و مانند قرار دادن و تطبیق را در آنها بکار برده‌اند، چنان که در پاسخ سؤال چهارم بدان اشاره کردم. این قبیل روایات نیز چهار دسته‌اند.

بیّنات: درباره دسته بندی علوم قرآنی شما چه نظری دارید، آیا دسته بندی موجود را می‌پسندید یا پیشنهادی در این باب دارید؟

استناد: تردیدی نیست که علماء و بزرگان تلاشهای زیاد و قابل تقدیر و سودمندی را در موضوع علوم قرآنی و دسته بندی آنها انجام داده‌اند، بسیاری از این تلاشها، پاسخ نیازهای امت و جامعه و فرهنگ اسلامی بوده است، از این رو نمی‌توان هیچ یک از این کارها را دست کم گرفت، نهایت امر این است که گاهی نیازها در سطحی فراتر مطرح می‌شود و گاهی به سبب شرایط جامعه و دگرگونی اوضاع آنان، به ضعف می‌گراید.

از همین جاست که گاهی به برخی از این علوم، مانند خط و رسم قرآن یا قرائت‌های آن یا نسخ قرآن (به معنای معروف)، اهمیت زیادی داده نمی‌شود یا بخشی از جنبه‌های بحث، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. چنانکه در بحث اعجاز قرآن که متکی بر موضوع بلاغت قرآن است، این چنین است. ما هم اکنون نیاز بیشتری به اتکاء بر جنبه مضمون و معنا داریم، زیرا این چیزی است که مردم در این زمان می‌توانند آن را درک کرده و بفهمند.

از همین رهگذر، من به ارزش و اهمیت دسته بندی، براساس نیازهای عمومی و

خصوصی که به حال افرادِ مختص به آن، سودمند است، اعتقاد و اذعان دارم. همچنین تقسیم و دسته‌بندی که براساس شبهات پیرامون قرآن در این زمان می‌شود، مانند: بررسی مسألهٔ وحی الهی و وحی ذاتی، تفسیر تاریخ، شیوهٔ قرآن در تغییر و تبدیل و تفسیر و تأویل و غیر آن.

بینات: لطفاً اگر در باب علوم قرآن و تفسیر، به مطالب نو و جدیدی رسیده‌اید بیان فرمایید.

استاد: اطلاعات اندکی که این‌جا دارم، از الطاف خداوند و توفیقات او و باقیماندهٔ سفره‌های علمی دانشمندان و اساتید بزرگ است و آنچه را که بدان اشاره می‌کنم، نمی‌توانم آنها را مطالب جدید بنامم، ولی بعضاً نکات مهمی است که برخی از آنها را ذکر می‌کنم. نخست: تفسیر و تعیین هدف از نزول قرآن کریم و تطبیق آن بر مجموعه‌ای از ظواهر قرآن کریم و تفسیر آن ظواهر که این بحث، در کتابی جداگانه و مستقل منتشر شده است. دوم: تحقیق و بررسی پیرامون موضوعات قرآن و نقش آن در روش قرآن و تفسیر آن. این بحث را در کتاب علوم قرآن، مطرح کرده‌ام و در این خصوص نیز کتاب مستقلی نوشته و این بحث را در آنجا مفصلاً آورده‌ام، اما آن کتاب همچنان در عراق است و در دسترس قرار ندارد.

سوم: بحث «جامعهٔ انسانی در قرآن کریم» است که موضوعات اصلی آن را در خلال سخنرانی‌هایی که پیرامون تفسیر در سیمای جمهوری اسلامی داشته‌ام، عنوان کرده‌ام و جهت تکمیل و تنظیم و تغییر و تحول و بازنگری آن، از خداوند آرزوی توفیق دارم. **چهارم:** تفسیر، از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام است که طرح کلی آن را ارائه داده‌ام و بخشی از آن را نوشته‌ام. در نگارش بخش‌های دیگر، امید توفیق دارم.

بینات: جناب عالی از میان روش‌های مختلف تفسیری چه روشی را برای فهم قرآن مؤثرتر می‌دانید؟

استاد: شاید برترین شیوه‌ها، روشی باشد که آن را (تفسیر تغییری) می‌نامم، شیوه‌ای که به سمت و سوی استنباط معانی و ویژگی‌های مؤثر در تغییر اجتماعی که قرآن کریم آن را عنوان می‌کند، گرایش دارد، زیرا قرآن کریم هرچند مشتمل بر اطلاعات گسترده‌ای است، ولی در همان زمان هدفش، چیزی است که آن را بالفعل محقق ساخته و آن عبارت از تغییر فعلی جامعهٔ انسانی است. این قضیه به عواملی استناد و بستگی دارد که برخی از آنها به طور مستقیم ارتباط به نص قرآن دارد و برای استفادهٔ از آن، در

تغییر و تبدیل جامعه انسانی، نیاز به استنباط و شناخت و توضیح داریم و در مقدمه تفسیر، به موضوعات آن اشاره کرده‌ام و سعی نمودم در تفسیر سوره فاتحه آن را منطبق سازم. این بحث‌ها، به قلم برخی از برادران محترم که در درس تفسیر حضور داشته‌اند به نگارش درآمده است و زیر چاپ است.

بینات: لطفاً پیرامون تالیفات قرآنی خودتان توضیحاتی بیان فرمایید.

استاد: علاوه بر برخی از مقالات و مباحث، کتب دیگری نیز دارم که ذیلاً عنوان می‌کنم:

۱. محاضرات علوم القرآن، که دوبار چاپ شده، ان شاء الله چاپ سوم آن با اضافات و تصحیح و فصل بندی جدید در آینده نزدیک، ارائه خواهد شد.

۲. الهدف من نزول القرآن.

۳. تفسیر سوره الفاتحه که زیر چاپ است.

۴. المجتمع الانسانی فی القرآن الکریم که در حال آماده شدن و تألیف است.

۵. محاضرات فی التفسیر که شامل نیمه اول جزء نخست سوره بقره و سوره های

حدید، مجادله، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، منافقون و تغابن است.

بینات: برخی از لغزشهایی که برای پژوهشگران علوم قرآنی پیش آمده و نیازمند

توضیح است بیان فرمایید.

استاد: قرآن کریم، با ارزش و اهمیت بی مانند و موقعیت ممتاز خود، برای استفاده از علوم و ذخایر و گنجها و معنویاتش، مورد توجه و اهتمام پژوهشگران قرار دارد، ولی در همین زمان مورد بهره‌وری و سوءاستفاده از ناحیه دیگران نیز قرار گرفته است. این موضوعی است که قرآن کریم در آیه های محکم و متشابه، بدان اشاره کرده است، از این رو، بسیاری از افراد، خواسته یا ناخواسته، در دام انحرافات و کجرویهای فراوانی گرفتار شده‌اند، از جمله:

۱. تفسیر، برطبق هوی و رأی و ذوق و سلیقه خاص.

۲. برتری جویی بر قرآن و احساس غرور نمودن در فهم و درک آن و عدم تلاش کافی برای ژرف نگری در قرآن و آیات آن و دقت در همه اینها برای بدست آوردن معنای قرآن. این مطلبی است که ائمه علیهم السلام هنگامی که از افرادی سخن به میان می‌آمد که قرآن را تفسیر می‌کردند، اما ناسخ و منسوخ، و محکم و متشابه و عام و خاص آن را از هم باز نمی‌شناختند، بدان اشاره کرده‌اند.

۳. تکیه و جمود در فهم نص قرآن، بر الفاظ یا حوادث و اشخاص یا زمانها و مکانها.

۴. مبنا قرار دادن آرا و نظریات و اعتقادات از قبل تعیین شده و تحمیل آنها بر قرآن و تفسیر کردن آیات قرآن به وسیله آنها، به جای شناخت آرا و نظریات، از خود قرآن.
۵. تکیه بر منابع غیرمعتبر یا غیرثابت، در زمینه تفسیر قرآن، مانند روایات اسراییلی یا اخباری ضعیف یا تفسیر برخی از صحابه یا تابعینی که در فهم و درک قرآن و دقت در آن، در حد قابل قبول و شایسته ای نبوده اند.
۶. حمل آیات و نصوص قرآنی بر مطالبی که با آن سازگار نیست، مانند مفاهیم فلسفی یا صوفی گرایانه یا علوم طبیعی و نظریات علم هیأت و کیهان شناسی و فیزیک و امثال آن، به این تصور که چنین اموری بر عظمت و قداست قرآن می افزاید و مردم و دیدگاه آنان را به سوی قرآن جذب می کند.
۷. افتادن در ورطه افراط، از راه اغراق و مبالغه در غیبی بودن قرآن از سویی و گرفتار تفریط شدن از خلال انحطاط و غوطه ور شدن در مادیت از سوی دیگر، با این که قرآن کریم، از جهان غیب است و برای این آمده که زندگی مادی و روحی انسان را اداره کند و او را به راه آخرت که آن هم از جهان غیب است، رهنمون سازد. به ناچار باید برای فهم و درک آن، میان این سلسله عوامل و خصوصیات زندگی انسان و وجود جهان هستی، توازن دقیق مراعات شود.
- از خداوند متعال مسئلت داریم که ما را از لغزشها و اشتباهات حفظ کند و توفیق هدایت به وسیله قرآن و دقت و تدبّر در آن و عمل به دستورات و نواهی آن و ره توشه گرفتن از پند و اندرزها و وعده وعیدها و بهره مندی از نور آن و شناخت معانی و مفاهیم آن را، مرحمت فرماید.
- والله ولیّ التوفیق والسداد وهو نعم المولی و نعم النصیر
- بیانات: با تشکر از حضرت عالی و آرزوی توفیق و خدمت به قرآن، امیدواریم خداوند به شما طول عمر عنایت فرماید.

